

## آسیای میانه رودرروی بنیادگرایی یا بی‌بنیانی ساختاری؟

از فروپاشی قطعی و نهایی اتحاد شوروی و تشکیل مجموعه‌ای از کشورهای مستقل به جای آن، سال‌ها می‌گذرد، ولی به رغم گذشت این سال‌ها و تلاش‌های مختلفی که در تقویت مبانی سیاسی و اقتصادی ... این رشته کشورهای جایگزین صورت گرفته هنوز نتیجه کار و شکلی که در نهایت این تحولات به خود خواهند گرفت، روشن نیست. این ناروشنی و ابهام را بیش از هر جای دیگر در آسیای میانه می‌توان ملاحظه کرد، که در مواجهه با تحرکی جدید در عرصه فعالیت‌های سیاسی نیروهای مخالف، گرایشاتی را نشان می‌دهد که از یک بحران اساسی حکایت دارند.

یکی از آخرین نمونه‌های این تحرک جدید، فعالیت‌های جمعه‌بای نمگانی است. وی رهبر یک گروه اسلامی ازبک است با حدود چندصد هوادار موجود و مسلح و چند هزار هوادار بالقوه در کل منطقه. اگرچه وی رسماً رئیس نهضت اسلامی ازبکستان محسوب می‌شود و هدف اصلی‌اش سرنگونی حکومت اسلام کریموف، ولی حوزه فعالیت‌هایش تاجیکستان و قرقیزستان را نیز شامل می‌شود و

چرا پورتوآلگره برای برگزاری این نشست انتخاب شد؟ این شهر بندری مرکز ایالت ریوگرانده دوسول، جنوبی‌ترین ناحیه برزیل است. بیش از دوازده سال است که این شهر توسط یک ائتلاف چپ، با رهبری حزب کارگران اداره می‌شود. روش نوینی که در اداره این شهر به کار گرفته شده است توجه ناظران بین‌المللی را به عنوان یک آزمایشگاه روابط اجتماعی به خود جلب کرده است. ساکنان مناطق مختلف شهر به صورت دموکراتیک منابع مالی شهرداری منطقه را تخصیص می‌دهند، به این ترتیب که تصمیم اجرای طرح‌های زیربنایی بر عهده ساکنان هر منطقه از شهر است و آنان بر پیشرفت کار و نحوه استفاده از منابع مالی نظارت کامل دارند.

نشست اجتماعی جهان قرار است هر ساله همزمان با نشست جهانی اقتصاد برگزار شود. در سال ۲۰۰۲ این نشست همزمان در پورتوآلگره و نقاط دیگر در جهان برگزار خواهد شد. برگزارکنندگان قصد دارند در این روند یک شورای بین‌المللی نشست اجتماعی جهان به وجود آورند و از سال ۲۰۰۳ این نشست هر سال در کشور متفاوتی برگزار شود. خسرو نیرومندراد

هر سه این کشورها، به رغم اختلافات اساسی با هم، در نگرانی از جمع‌های و حرکتی که وی رهبر و معرف آن است شریکند.

جمع‌های نمگانی به خودی خود، پدیدهٔ اعجاب‌انگیز و خارق‌العاده‌ای نیست؛ وی که در خلال مداخلهٔ نظامی شوروی در افغانستان به مدت سه سال در یک هنگ هواپرد شوروی خدمت می‌کرد، در سال‌های بعد از فروپاشی، در خلال یکی از عملیات حکومت اسلام کریموف در سال ۱۹۹۲ بر ضد گروه‌های مسلمان از وی رویگردان شد و به موطنش، نمگان فرغانه گریخت. چندی بعد در جریان جنگ‌های داخلی تاجیکستان در کنار نیروهای نهضت اسلامی مبارزه کرد و بالاخره در سال ۱۹۹۸ همراه با طاهر یولداشف در افغانستان یک حرکت اسلامی را بنیان نهاد که سرنگونی حکومت کریموف را در رأس برنامه‌های خود داشت.

در این چند سالی که از شکل‌گیری حرکت مزبور می‌گذرد به ترتیب سه حوزهٔ ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان و به عبارت دقیق‌تر وادی فرغانه که نقطهٔ التقای هر سه آن‌ها است، کانون فعالیت‌های جمع‌های بوده است؛ اگرچه در حال حاضر و در پی تلاش‌های مشترک هر سه کشور و با پشتیبانی نظامی و تدارکاتی روسیه، جمع‌های نمگانی و افرادش از منطقه خارج و عجالتاً در گوشه‌ای از افغانستان اقامت دارند، ولی همین تحرکات چندساله از یک سو و یک نگرانی عمده از شروع دور جدیدی از تحرکات مشابه در بهار و تابستان امسال، به چنان تشویش و التهابی در آسیای میانه میدان داده است که به هیچ وجه با ابعاد واقعی ماجرا مطابقت ندارد.

طرح تأسیس و فعال کردن "مشترک‌المنافع کشورهای مستقل"، یعنی تلاش روس‌ها برای تداوم نمایی از همراهی و هماهنگی شوروی سابق که در این سال‌ها با هیچ پیشرفتی روبرو نبود، اینک همان‌گونه که آخرین نشست آن در زمستان گذشته نشان داد، با تأکید بر محور امنیت ابعادی جدی به خود گرفته است؛ روس‌ها بار دیگر به بهانه - و شاید هم واقعاً به ضرورت حفظ - امنیت منطقه‌ای، از نو حضور و نفوذی محسوس یافته‌اند. دولت چین نیز که از بروز گرایشاتی مشابه در سین کیانگ - بخش شرقی و عمدتاً مسلمان‌نشین قلمرو خود - نگران است، در کنار



روسیه با قرقیزستان و تاجیکستان و قزاقستان وارد همکاری شده است. هم‌اینک یک نیروی ۲۰،۰۰۰ نفری روس در امتداد مرزهای جنوبی تاجیکستان مستقر است و انتظار می‌رود بر تعداد آن‌ها نیز افزوده شود.

ولی همان‌گونه که اشاره شد این تشویش و التهاب به هیچ وجه با ابعاد واقعی ماجرا مطابقت ندارد. در این سال‌ها - و به ویژه پس از پایان جنگ داخلی تاجیکستان - گذشته از برخی تحرکات ضعیف و غیرمنسجم اسلامی در سطح منطقه، رویارویی نیروهای اسلام‌گرا و مقامات محلی هیچ‌گاه ابعاد گسترده‌ای نیافت؛ یک رشته بمب‌گذاری‌های زودگذر در ازبکستان، گروگان‌گیری‌هایی چند در قرقیزستان و تنش‌هایی در تاجیکستان که در نهایت از راه مذاکره پایان یافت، نقاط اوج این رویارویی‌ها بود.

آن تشویش و نگرانی بیش از آن که مبین نفوذ و اقتدار حرکت‌هایی از نوع تحرکات جمعه‌بای نمگانی باشد، مبین میزان بالایی از ضعف و آسیب‌پذیری است که نظام حاکم در این خطه را فراگرفته است؛ آسیب‌پذیری و وضعی که یک وجه آن تاریخی و دیرپا است و در ماهیت تصنعی و باسمة‌ای تلاش‌هایی ریشه دارد که از اوائل قرن بیستم برای تأسیس مجموعه‌ای از دولت-ملت‌های جدید در آسیای میانه جریان داشته است و وجه دیگرش را نیز در فقدان شکل‌گیری حداقلی از

نهادهای مدنی و توسعه مشارکت اجتماعی و سیاسی در این کشورها می‌توان ملاحظه کرد که برای بنیان یک موجودیت سیاسی لازم و ضروری است. یک چنین بنیان سست و متزلزلی است که حضور یک گروه چندصدنفره را به چنان تهدیدی جدی و اساسی مبدل می‌کند.

کشورهای تازه‌تأسیس آسیای میانه تا دست‌یابی به میزانی از انسجام دولتی و ملی که چنین "تهدیدی"‌هایی را برتابد راه دشواری در پیش دارند، ولی قدر مسلم آن که با توجه به تکرر و تنوع گسترده این حوزه از لحاظ قومی و زبانی و فرهنگی ... بدون فراهم آوردن زمینه‌های سیاسی لازم جهت جای دادن به این تنوع و تکرر به چنین میزانی از انسجام نیز نمی‌توان رسید؛ خط‌مشی فعلی اکثر این حکومت‌ها در سرکوب و اختناق بیش از پیش بدون تردید راهگشای چنان عرصه‌ای نیست و در این که روسیه نیز با پیش رو داشتن مسئله چچن‌ها تا چه حد بار ستیزه‌جویی جدیدی ولی مشابهی را عهده‌دار گردد هم روشن نمی‌باشد.

ک. ب